

بررسی ساخت و محتوای برنامه درس «اصول مدیریت آموزشی» دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دیدگاه استادان و دانشجویان

محمد رحمانی کرچگانی *

دکتر محمدرضا بهرنگی **

چکیده

هدف این پژوهش، بازنگری و «بازآفرینی» برنامه درس «اصول مدیریت آموزشی»، به عنوان یکی از دروس اصلی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی است. این مطالعه به دنبال یافتن پاسخ دو سؤال اساسی است: وضعیت موجود برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی» در دانشگاه‌های داخلی و خارجی چگونه است؟ و مفاهیم عمده این ماده درسی، متناسب با شرایط و نیازهای فعلی دانشجویان و مدیران آموزشی کدام است؟ بنابراین، در این راستا، وضعیت دو مقوله «ساخت» و «محتوای» برنامه درسی، در قالب هفت سؤال پیرامون «ساخت» و سه سؤال پیرامون «محتوا» برای درس مذکور مطرح شده است. به منظور پاسخگویی به سؤال‌های مورد بحث، نخست با استفاده از مطالعه نظری (مطالعه اسنادی و کاوش‌های الکترونیکی)، سرفصل‌های در حال تدریس درس «اصول مدیریت آموزشی»، در دانشگاه‌های ایران و برخی از دانشگاه‌های خارجی تعیین و سپس بر آن اساس، مطالعه میدانی در نمونه‌ای متشکل از ۱۶ نفر از استادان (مطالعه به صورت سرشماری) و ۱۸۱ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، به صورت تصادفی از ۱۶ دانشگاه کشور از طریق دو نوع پرسشنامه مجزا، انجام و نتایج نیز احصاء شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که وضعیت موجود «ساخت» و «محتوا» در برنامه درسی مورد مطالعه، پاسخگوی شرایط و نیازهای کنونی دانشجویان نیست و ایجاد تغییراتی در مفاهیم عمده درس «اصول مدیریت آموزشی»، مطابق با الگوی پیشنهادی حاصل از این پژوهش ضروری است.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، ساخت، محتوا، برنامه درسی، اصول مدیریت آموزشی، سرفصل‌های مصوب، سرفصل‌های جدید

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

(مستول مکاتبات: rahmanimohamad@yahoo.com)

** استاد دانشگاه تربیت معلم تهران.

مقدمه

با آغاز هزاره سوم، گرایش‌ها و تغییرات کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه موج و خیره‌کننده «فناوری اطلاعات و ارتباطات» و همچنین پدیده‌هایی همچون «جهانی‌شدن» و به هم ریختن و حتی حذف پاره‌ای از مرزهای فکری و فلسفی که از دو دهه گذشته ریشه گرفته است، به اوج خود رسیده و انتظارات و نیازهای جدیدی را برای سازمان‌ها و نهادهای جوامع بشری مطرح کرده است. در این اثناء برای نظام آموزش عالی نیز «پارادایم‌ها» و «الگوهای نوینی» از دانشگاه‌ها در هزاره سوم مطرح شده و بستر ظهور نسل جدیدی از مؤسسات آموزش عالی، فراهم شده است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۵۱).

«کافمن» معتقد است، ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه ایجاب می‌کند که به «بازاندیشی»، «بازسازی» و «بازآفرینی» در همه ابعاد و عناصر نظام آموزشی پرداخته شود (بازرگان - مشایخ، ۱۳۸۵: ۲۳). نظام آموزش عالی در کشور ما نیز با عنایت به شکل‌گیری بنیان‌های «جامعه هوشمند» و «حاکمیت شبکه‌های اینترنتی» و ظهور پدیده‌های فرا نوین دانشگاهی و تأثیر آنها به ویژه در حوزه علوم انسانی، در کنار دیگر مسائل و تنگناهای جاری خود، با مجموعه جدیدی از چالش‌ها و رسالت‌های بدیعی مواجه شده است که جز از طریق «مهندسی مجدد» نظام آموزش عالی نمی‌توان با موفقیت بر آنها فائق آمد.

بر اساس مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، ایران باید در افق سال ۱۴۰۴، دارای ویژگی‌هایی از قبیل برخورداری از دانش پیشرفته و دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر «جنبش نرم‌افزاری» و «تولید علم» باشد. این سند ملی، به آینده، نه به عنوان «جایی که ایران به آنجا می‌رود»، بلکه به عنوان «آنجایی که ایرانیان آن را به وجود می‌آورند»، نگاه می‌کند. براین اساس، راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، «یافتنی» نیستند، بلکه «ساختنی» اند (هزاوه‌ئی، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

همچنین، براساس «مفاد بند «د» ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه کشور»، مقرر شد، طی سال‌های اجرای این برنامه (از ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸)، «نسبت به بازنگری رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی و در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی، اقدامات اساسی مورد نیاز صورت پذیرد».

یکی از مهمترین چالش‌های فراروی نظام آموزشی ما، چگونگی تحول برنامه درسی و فرایند یاددهی - یادگیری است؛ به نحوی که این تحولات، بتواند دانشجویان را با مهارت‌های لازم برای فعالیت‌های مؤثر در این محیط پویا و سرشار از اطلاعات و دارای تغییرات مداوم تجهیز کند (شاه‌پسند و شریف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳).

با عنایت به اینکه، راهبرد اساسی دانشجویان در کشور ما، «برنامه درسی» است، ضروری است تا به محتوا و مفاهیم عمده سرفصل‌های برنامه‌های درسی دانشگاهی، به اندازه کافی توجه لازم معمول شود. از جمله ویژگی‌های یک برنامه درسی خوب، هدفمند بودن و پاسخگو بودن به نیازهای روز است و باید با شرایط و تحولات علمی و تخصصی حوزه دانشی مربوطه همسو باشد. این در حالی است که، به علت عدم بازنگری در سرفصل‌های دروس دانشگاهی، مصوب «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، طی ۲۵ سال گذشته و با توجه به تحولات چشمگیر دو دهه اخیر، بازنگری و اصلاح مفاهیم عمده (سرفصل‌های درسی)، برای اکثر دروس دانشگاهی در کشور ما امری ضروری است. آنچه که آموزش عالی به عنوان محتوای درسی تدارک می‌بیند و آنچه که جامعه بدان نیازمند است، کانون تمرکز اولیه چنین اصلاحاتی است (آقائی جنت مکان، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

دیدگاه فوق از منظر دیگری نیز بیان می‌شود، که: «... چالش اساسی رشته‌های گروه علوم انسانی در ایران معاصر، مسئله ایستایی آن است؛ بدین معنی که محتوای اصلی برنامه‌ها، سیاست‌ها و متون مربوط به این دسته از علوم، به میزان کافی با تحولات زمانی سازگار نشده است؛ علاوه بر این، می‌توان فقدان متدلوژی سازگار برای درک دقیق محتوای علوم انسانی، گسستگی آن از ابعاد فراگیر جامعه، غیرسیستماتیک بودن آنها و بی‌توجهی به آینده‌نگری را به عنوان چالش‌های دیگر این مقوله ترسیم کرد» (دادگر، ۱۳۸۵: ۲۳۹).

بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزش عالی ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که، به رغم نقش، اهمیت و کاربرد رشته‌های مختلف علمی در قلمرو وسیع علوم انسانی، نحوه سازماندهی و شیوه‌های مختلف عرضه مواد و محتوای درسی، از موقعیت و جایگاه علمی مناسبی برخوردار نیست و روش‌های رایج در سازماندهی مواد درسی مربوطه، کارایی رشته‌های علوم انسانی را در مقایسه با سایر رشته‌های علمی با تردید و انتقاد مواجه کرده است (هاشمی مقدم، ۱۳۸۵: ۷۷).

در این بین، یکی از رشته‌های بسیار مهم در نظام آموزش عالی، که به زعم برخی از طرفداران آن، از مهم‌ترین رشته‌های تحصیلی محسوب می‌شود، «رشته مدیریت آموزشی» است که فلسفه وجودی آن، پرورش افرادی است که بتوانند به مدیریت و رهبری صحیح و علمی صنعت و نظام آموزشی کشور پردازند. صنعتی که بخش عظیمی از ضروریات جامعه، یعنی نیروی انسانی را در خود جای داده است و روز به روز نیز توسعه می‌یابد (عارفی، ۱۳۸۳: ۶۶۸).

توفیق دانش‌آموختگان و متخصصان رشته مدیریت آموزشی در تحقق اهداف این رشته، هنگامی قابل حصول است که با کسب آمادگی‌های لازم بتوانند، به تناسب ویژگی‌های عصر کنونی در سازمان‌ها و مراکز آموزشی، ایفاگر نقش مؤثر حرفه‌ای

خویش باشند. از طرف دیگر، کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای به جهت آمادگی برای حضور در دنیای کنونی، وقتی میسر خواهد شد که برنامه‌های درسی در نظام آموزشی، به طور مستمر و به هنگام، در چارچوب انتظارات جامعه مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرند. بنابراین، یکی از کارکردهای اصلی و مهم این رشته تحصیلی، ارتقاء سطح دانش، بینش و توانش دانش‌آموختگان، برای شناخت و درک صحیح از اصول و مبانی علم مدیریت و رویکردهای آن برای اداره سازمان‌های آموزشی است، که باید، ضمن فراگیری مهارت‌های لازم، متناسب با شرایط و نیازهای روز جامعه میسر شود.

در میان مواد درسی رشته مدیریت آموزشی، درس «اصول مدیریت آموزشی» بی‌گمان، به عنوان یکی از دروس اصلی رشته مدیریت آموزشی از جایگاه ویژه و مؤثری در شکل‌گیری نظام فکری و مهارت‌های پایه‌ای دانشجویان مربوطه برخوردار است و این در حالی است که ساخت و محتوای برنامه درسی آن، پس از گذشت بیش از ۱۵ سال از زمان تدوین، متأسفانه کماکان، بدون تغییر در حال ارائه است. هر چند که هر از چند گاهی ناکارآمدی برنامه‌های درسی، از سوی برخی از استادان و صاحب‌نظران دلسوز در محافل علمی و دانشگاهی مطرح می‌شود، اما تا این زمان، اقدام عاجلی برای به روز کردن محتوای برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی» به صورت یک دغدغه جمعی متخصصان این رشته صورت نگرفته است.

این درس در شکل‌گیری و قوام «نظام فکری» و «ساختار شخصیت حرفه‌ای» دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی، پیرامون «فرایند مدیریت» و «کارکردهای آن» در سازمان‌های آموزشی، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در این راستا، اهتمام مستمر متولیان و برنامه‌ریزان مربوطه، به کارآمدی محتوای برنامه درسی مذکور، بسیار شایان توجه است اما همان‌گونه که اشاره شد، در طول دو دهه گذشته، به‌رغم تحولات چشم‌گیری که در نظام آموزش داخلی و بین‌المللی روی داده است و در این رهگذر، بسیاری از موضوعات و مسائل درسی گذشته به تاریخ پیوسته و در مقابل، بسیاری دیگر از مسائل از نو مطرح شده است، متأسفانه هیچ‌گونه بازبینی در محتوای دروس و انطباق آنها با موضوعات و تحولات نظام آموزش عالی کشور و مسائل پیرامونی آن صورت نگرفته است.

بنابراین، با عنایت به اینکه حدود ۱۵ سال، از آخرین تدوین برنامه درسی و تعیین سرفصل‌های آموزشی درس «اصول مدیریت آموزشی»، در نظام آموزش عالی کشور ما می‌گذرد (۱۳۷۲/۲/۱۹)، و با توجه به تغییرات وسیعی که در حوزه علوم انسانی و به خصوص سازمان‌های آموزشی رخ داده است، تلاش شده، در چارچوب یک تحقیق علمی در قالب پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، ضمن مقایسه تطبیقی وضعیت «ساخت» و «محتوای» فعلی درس «اصول مدیریت آموزشی» در

دانشگاه‌های منتخب داخلی و خارجی، الگوی جدیدی برای برنامه درس مذکور، تحت عنوان «برنامه درسی بازآفرینی شده»، ارائه شود.

بنا به این ضرورت، هدف این پژوهش «بازآفرینی ساخت مفاهیم عمده درس اصول مدیریت آموزشی، رشته مدیریت آموزشی (مقطع کارشناسی ارشد) بر اساس مطالعه تطبیقی» است، که در آن سؤال اساسی ذیل مطرح است:

■ با توجه به کاربرد رویکردهای نوین حرفه مدیریت آموزشی، چه مفاهیم عمده‌ای در درس «اصول مدیریت آموزشی» پاسخگوی نیازهای دانشجویان و مدیران آموزشی کشور است؟

در راستای بازنگری هدفمند در برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی»، با هدف «بازآفرینی مفاهیم عمده و ساخت دانش درس مذکور، پژوهش حاضر به دنبال جست و جوی پاسخ سؤال‌های زیر است:

۱. مفاهیم عمده و سرفصل‌های مصوب برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی» در دانشگاه‌های داخل کدام‌اند؟
۲. وضعیت ساخت شرح درس «اصول مدیریت آموزشی» در دانشگاه‌های منتخب داخلی چگونه است؟
- ۲-۱. وضعیت ساخت درس «اصول مدیریت آموزشی» از نظر محتوای برنامه درسی کنونی چگونه است؟
- ۲-۲. وضعیت ساخت درس «اصول مدیریت آموزشی» از نظر تعداد و نوع واحدهای درسی چگونه است؟
- ۲-۳. وضعیت ساخت درس «اصول مدیریت آموزشی» از نظر منابع و کتب درسی مورد استفاده چگونه است؟
- ۲-۴. وضعیت ساخت درس «اصول مدیریت آموزشی» از حیث تکالیف درسی مناسب و از دیدگاه استادان چگونه است؟
- ۲-۵. وضعیت ساخت درس «اصول مدیریت آموزشی» از نظر الگو (الگوهای مناسب تدریس) چگونه است؟
۳. وضعیت ساخت شرح درس «اصول مدیریت آموزشی» در دانشگاه‌های منتخب خارجی چگونه است؟
۴. مفاهیم عمده ارائه شده در منابع درس «اصول مدیریت آموزشی» در دانشگاه‌های منتخب خارجی کدام‌اند؟
۵. با توجه به رویکردهای نوین حرفه «مدیریت آموزشی»، چه مفاهیم عمده‌ای پیرامون درس «اصول مدیریت آموزشی» مورد نیاز دانشجویان و مدیران آموزشی کشور است؟

مواد و روش‌ها (روش‌شناسی پژوهش)

پژوهش حاضر، با توجه به اهداف و روش‌هایی که در بر دارد، از پژوهش‌های کاربردی و توصیفی محسوب می‌شود، که هم مبتنی بر مطالعه نظری و هم مطالعه میدانی است:

■ شناسایی زمینه‌های نظری کلی برای بررسی ساخت و محتوای درس «اصول مدیریت آموزشی» به عنوان سه واحد درس نظری دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، از جمله شناخت مفاهیم عمده درسی، الگوهای عمده تدریس، مواد کمک آموزشی مؤثر، تکالیف کلاسی اثربخش و سایر موارد موضوعه،

■ شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه درسی فعلی از دیدگاه استادان، دانشجویان، متخصصان و مدیران آموزشی، به منظور شناسایی نیازهای مربوط و ارائه راهکارهایی برای بهبود برنامه درسی، «اصول مدیریت آموزشی» در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در ایران.

اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق در جهت تأمین و تحقق اهداف تحقیق استنتاج شده از مطالعات کتابخانه‌ای پس از بررسی اسناد و مدارک، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات فارسی و انگلیسی، کتب و نشریات علمی، کاوش‌های اینترنتی و همچنین انجام مصاحبه با استادان و صاحب‌نظران درخصوص سرفصل‌ها، شرح درس، اهداف درس، مفاهیم عمده و محتوای برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی» در برخی از دانشگاه‌های داخلی و خارجی، به منظور دستیابی به مبانی نظری، ادبیات پژوهش و پیشینه تحقیق است. همچنین بخشی از اطلاعات و داده‌های مورد نظر، از طریق دو نمونه فرم پرسشنامه پژوهشگرساخته، که پس از تأیید «روایی» و «پایایی» آن از سوی تعدادی از استادان و متخصصان صورت پذیرفته و برای اندازه‌گیری پایایی در اختیار تعدادی از دانشجویان و اعضای هیئت علمی نیز قرار گرفته، به دست آمده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل:

الف) اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های داخلی (آزاد و دولتی) که حداقل طی سال‌های تحصیلی ۸۴-۸۵، ۸۵-۸۶ و ۸۶-۸۷، درس «اصول مدیریت آموزشی» را در مقطع کارشناسی ارشد تدریس کرده‌اند. کلیه استادان این درس در دانشگاه‌های منتخب در نمونه بوده‌اند. البته این یکی از محدودیت‌های محقق نیز بوده است که در برخی از موارد استادان در دانشگاه‌ها (دولتی - آزاد) مشترک بوده‌اند. جمعاً ۱۹ نفر استاد سرشماری شده‌اند.

ب) دانشجویان کارشناسی ارشد «رشته مدیریت آموزشی» دانشگاه‌های آزاد و دولتی، ورودی سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶، که درس «اصول مدیریت آموزشی» را گذرانیده‌اند.

جامعه آماری دانشجویان شامل کلیه پذیرفته‌شدگان در رشته مدیریت آموزشی (مقطع کارشناسی ارشد)، در دانشگاه‌های آزاد و دولتی کشور، طی سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ که برابر با ۱۷۲۹ نفر هستند. حجم نمونه از طریق «فرمول کوکران» ۱۷۳ نفر محاسبه شد، که برای اطمینان بیشتر این تعداد به ۱۸۳ نفر ارتقاء یافت. پس از تعیین حجم نمونه دانشجویان، از مجموع ۲۸ دانشگاه آزاد و دولتی که در دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی طی سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ دانشجو پذیرفته‌اند، ۱۶ دانشگاه به صورت تصادفی برای نمونه‌گیری مشخص شدند. سپس در هر کدام از دانشگاه‌های منتخب، بین تعدادی از دانشجویان پرسشنامه‌های تحقیق به صورت تصادفی توزیع و جمع‌آوری شد؛ به عبارت دیگر، روش نمونه‌گیری دانشجویان به صورت تصادفی بوده است. با توجه به اینکه احتمال داده می‌شد بعضی از پرسشنامه‌ها باطل و یا بازگردانده نشوند، تعداد ۲۲۰ پرسشنامه، ارسال شد که از این تعداد ۱۸۱ نفر، آن را تکمیل و عودت دادند. پرسشنامه اعضای هیئت علمی به صورت سرشماری، توزیع و جمع‌آوری شده است.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای، با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS win از روش‌های آماری در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی، استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی این تحقیق، آماره‌هایی همچون فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، میانگین، میانه، مد یا نما، انحراف معیار و واریانس محاسبه شده است و در بخش آمار استنباطی با توجه به تعداد گروه‌های مورد مقایسه، سطوح اندازه‌گیری متغیرهای مورد بررسی و نیز، با لحاظ کردن سایر شرایط آزمون‌های پارامتری و ناپارامتری از آماره‌هایی نظیر «آزمون من‌ویتنی»، «آزمون کروسکال‌والیس» و «آزمون ویلکاکسون» استفاده شده است. همچنین، به منظور مقایسه نظرات و نگرش‌های افراد مورد مطالعه، «ضریب همبستگی اسپیرمن» نیز به کار گرفته شده است.

یافته‌ها

با توجه به نقش و جایگاه درس «اصول مدیریت آموزشی» در شکل‌گیری چارچوب فکری و زمینه ادراکی دانشجویان رشته مدیریت آموزشی، نسبت به اصول، مبانی، مفاهیم و کارکردهای مدیریت در نظام آموزشی و همچنین اهمیت این درس در تقویت دانش و نگرش آنان نسبت به ابعاد سه‌گانه مدیریت آموزشی و ایجاد زمینه‌های اولیه فکری برای تجزیه و تحلیل‌های بعدی پیرامون نظریه‌های مدیریت در

سازمان‌های آموزشی، کسب اطلاع از نظرات افراد و گروه‌های ذی‌ربط همچون استادان، مؤلفان، متخصصان، دانش‌آموختگان، دانشجویان و مدیران آموزشی در رابطه با «ساخت» و «محتوای» درس مذکور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، با توجه به اهداف و سؤال‌های این پژوهش و پرسشنامه‌های مربوط، اطلاعاتی جمع‌آوری شد که در اینجا برخی از آنها، به طور خلاصه ارائه می‌شود:

الف) نتایج به دست آمده پیرامون «ساخت» درس اصول مدیریت آموزشی:

- به عقیده ۷۵ درصد از استادان و حدود ۶۷ درصد از دانشجویان «ارائه درس اصول مدیریت آموزشی» در مقطع کارشناسی ارشد، کاملاً ضروری است و تنها ۷/۲ درصد دانشجویان اعلام کرده‌اند که ارائه این درس ضرورتی ندارد.
- بیش از ۷۲ درصد دانشجویان معتقدند که درس «اصول مدیریت آموزشی» (به طور بالقوه) در ایجاد و تقویت چارچوب نگرشی و بینشی آنان در حد زیاد تأثیرگذار است و فقط ۵ درصد پاسخگویان میزان این تأثیر را در حد خیلی کم و یا بدون تأثیر ارزیابی کرده‌اند.

- همچنین بررسی نگرش استادان نسبت به تأثیر انواع فعالیت‌های درسی دانشجویان، به عنوان مکمل‌های آموزشی در درس اصول مدیریت آموزشی، مبین آن است که «ارائه کنفرانس کلاسی» تقریباً در ۹۰ درصد و «طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی» تقریباً در ۸۵ درصد از موارد در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده است. این در حالی است که میزان کاربرد مکمل‌های فوق‌الذکر در کنار سایر موارد مطرح‌شده در پرسشنامه به صورت متنوع از سوی استادان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- بر اساس دیدگاه فوق، ۵۷ درصد از استادان «ارائه کنفرانس کلاسی» را برای کلیه دانشجویان بصورت اجباری به کار می‌برند و ۲۸ درصد از استادان در «ارائه کنفرانس کلاسی» حق انتخاب را برای دانشجویان محفوظ نموده‌اند.

- در خصوص میزان استفاده از انواع وسایل کمک آموزشی از سوی استادان، برای تدریس اثربخش مفاهیم درس اصول مدیریت آموزشی، ۷۸/۵ درصد از پاسخگویان میزان استفاده از «وایت‌برد / تخته‌سیاه» را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده و ۴۶ درصد استادان، میزان استفاده از «ویدئو پروژکتور» را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که استفاده از «اورهد»، «فیلم‌های آموزشی» و «کامپیوتر» به عنوان ابزار کمک آموزشی به سمت مخالف این ارزیابی تغییر جهت داده: به گونه‌ای که درصد بسیار کمی از استادان از این ابزارها استفاده می‌کنند.

موارد فوق بیانگر آن است که، استادان در تدریس «اصول مدیریت آموزشی» از ابزارهای کمک آموزشی متنوعی استفاده می‌کنند اما کمیت و کیفیت آن در دانشگاه‌های مختلف متفاوت است.

■ بررسی میزان استفاده از انواع الگوهای تدریس از سوی استادان درس اصول مدیریت آموزشی، حاکی از آن است که ۴۶/۲ درصد استادان از الگوهای «پاران در یادگیری» و ۵۰ درصد از «هنر استنباط» به صورت مستمر و دائمی استفاده می‌کنند. در جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای «آموزش مستقیم»، «عقل رشدیابنده» و «دریافت مفهوم» بیشترین کاربرد و الگوهای «یادگیری از شبیه‌سازها»، «ایفای نقش» و «مفاهیم خود»، کمترین میزان استفاده را دارند.

در رابطه با انتخاب الگوهای تدریس مناسب از سوی استادان از دیدگاه دانشجویان، نزدیک به ۵۰ درصد از دانشجویان معتقدند که، روش (روش‌های) تدریس درس اصول مدیریت آموزشی با ساخت و محتوای این درس در حد زیاد و خیلی زیاد تناسب دارد و روش‌های تدریس استادان خود را مناسب ارزیابی کرده‌اند.

■ بیش از ۵۰ درصد از استادان بر این عقیده هستند که میزان پاسخگویی محتوای فعلی این درس در برابر نیازهای دانشی و مهارتی دانشجویان، در حد کم و متوسط است. این در حالی است که قریب به ۵۲ درصد از دانشجویان، محتوای این درس جهت پاسخگویی به نیازهای مدیریتی، آموزشی و سازمانی خود را در حد کم و هیچ عنوان کرده‌اند.

■ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که، به‌رغم استفاده از روش‌های تدریس مناسب، به علت ضعف در محتوای برنامه درسی اصول مدیریت آموزشی، این روش‌ها از کارایی پائینی برخوردار هستند.

■ همچنین از دیدگاه دانشجویان در بیش از ۴۸ درصد افراد نمونه، منابع درسی مورد استفاده استادان تا حدود زیادی متناسب با سرفصل‌های معرفی شده بوده است و تنها ۱/۷ درصد به نامتناسب بودن منابع درسی اذعان داشته‌اند.

■ حدود ۴۶ درصد از استادان «دگرگونی» سرفصل‌ها و حدود ۵۴ درصد از ایشان «اصلاح» سرفصل‌های درسی را ضروری می‌دانند. به عبارت دیگر، کلیه استادان به ضرورت انجام تغییرات اصلاحی در سرفصل‌های کنونی برای درس اصول مدیریت آموزشی اذعان کرده‌اند. از سوی دیگر، ۸۵/۶ درصد از دانشجویان مورد مطالعه نیز، معتقدند که بایستی در محتوای برنامه درسی اصول مدیریت آموزشی «اصلاحات» و «تغییراتی» صورت پذیرد. تنها ۲/۸ درصد دانشجویان به عدم ضرورت بازنگری رأی مثبت داده‌اند.

■ بیش از ۷۱ درصد از استادان و ۴۱ درصد از دانشجویان معتقدند که درس اصول مدیریت آموزشی باید بصورت ۲ واحد نظری و یک واحد عملی ارائه شود.

البته بیش از ۹۰ درصد از استادان و بیش از ۸۶ درصد دانشجویان بر ضرورت وجود حداقل یک واحد عملی برای این درس تأکید کرده‌اند.

ب) نتایج به دست آمده پیرامون «محتوای» درس اصول مدیریت آموزشی: در این پژوهش، محتوای برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی»، در قالب سه دسته سرفصل مجزا، شامل:

۱. سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی (مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۹)،
۲. سرفصل‌های نوین با قابلیت جایگزینی (اقتباس شده از دانشگاه‌های خارجی)،
۳. سرفصل‌های پیشنهادی استادان و دانشجویان (به صورت سؤال باز- پاسخ در پرسشنامه).

برای درس اصول مدیریت آموزشی، دو نوع پرسشنامه مورد نظر سنجی استادان و دانشجویان قرار گرفته است.

نتایج حاصل از بررسی نظرات منعکس شده در پرسشنامه‌ها به قرار زیر است:

درخصوص سرفصل‌های مصوب سال ۱۳۷۲:

■ ۵۰ درصد از استادان، سرفصل‌های «رهبری آموزشی»، «سبک‌های رهبری»، «تئوری اقتضاء و رهبری»، «سیستم مدیریت آموزشی»، «شبکه مدیریت آموزشی» و «تغییرات آموزش و پرورش» را جهت ارائه در این درس ضروری و با اهمیت می‌دانند.

■ از دیدگاه دانشجویان، سرفصل «شیوه‌های مدیریت در آموزش و پرورش» حائز بیشترین ضرورت برای ارائه در این درس بوده است و سرفصل‌های «رهبری آموزشی»، و «وظایف مدیران آموزش و پرورش» به عنوان ضرورت دوم و سوم معرفی شده‌اند. همچنین سرفصل‌های «مفهوم سه بُعدی مدیریت آموزشی»، «توجیه آموزش و پرورش» و «مقام آموزش و پرورش» به ترتیب به عنوان سه اولویت آخر در این لیست جای گرفته‌اند و به زعم آنان، ارائه این سرفصل‌ها دارای ضرورت پایین‌تری نسبت به سایر سرفصل‌های مصوب هستند.

در نهایت اینکه ۶۲/۴ درصد پاسخگویان ضرورت ارائه مجموع سرفصل‌های مصوب را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند و از دیدگاه ۳۴/۸ درصد پاسخگویان ارائه این سرفصل‌ها (در مجموع) از ضرورت متوسط برخوردار است.

درخصوص سرفصل‌های نوین (با قابلیت جایگزینی):

■ نظر استادان درس «اصول مدیریت آموزشی»، پیرامون سرفصل‌های نوین برگرفته شده از دانشگاه‌های خارجی، حکایت از آن دارد که، مواردی از قبیل: «تفکر انتقادی در مدیریت آموزشی»، «نقش مدیران آموزشی در فرهنگ سازمانی» و

«مدیریت آموزشی و سیاست‌های آموزش و پرورش» را دارای اولویت‌های بالا برای ارائه در این درس ارزیابی کرده‌اند.

■ نگرش دانشجویان در خصوص ضرورت ارائه هر یک از سرفصل‌های جدید نیز حاکی از آن است که، موضوع «تفکر انتقادی در مدیریت آموزشی» با میانگین نمره ۸/۷۲ دارای بیشترین ضرورت و اهمیت تشخیص داده شده و دانشجویان این مورد را به عنوان اولویت اول سرفصل‌های جدید اعلام کرده‌اند. همچنین سرفصل «مدیریت آموزشی و روابط عمومی» با میانگین ۸/۳۷، اولویت دوم و «نقش مدیران آموزشی در فرهنگ سازمانی» با میانگین ۸/۳۱ به عنوان اولویت سوم دانشجویان معرفی شده‌اند. در این مطالعه «روش‌های عمومی‌سازی آموزش» و «مطالعه موردی در زمینه قوانین آموزش و پرورش» کمترین ضرورت و اهمیت را به خود اختصاص داده و هر کدام به ترتیب با میانگین ۶/۹۶، ۶/۲۰ در رده آخر قرار گرفته‌اند.

■ یافته‌های به دست آمده از این بررسی حاکی از آن است که، از دیدگاه استادان، ضرورت و اهمیت ارائه سرفصل‌های جدید (قابل جایگزینی) که طی مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی‌های اینترنتی پژوهشگر، از برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های خارجی اقتباس شده است، اندکی بیشتر از ضرورت و اهمیت ارائه سرفصل‌های مصوب است. هرچند که این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبوده است ولی این امر به این معنا است که استادان، نگرش نسبتاً یکسانی نسبت به هر دو نوع سرفصل‌ها داشته و ضرورت و اهمیت آنان را تقریباً در یک سطح ارزیابی کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، چنانچه ضرورت و اهمیت سرفصل‌های اقتباس‌شده از منابع خارجی بیشتر از ضرورت سرفصل‌های مصوب نباشد، کمتر از آن نیز نخواهد بود.

همچنین در مجموع بررسی، میزان ضرورت ارائه سرفصل‌های جدید اقتباس‌شده از منابع درسی دانشگاه‌های خارج از کشور، از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان معتقدند ارائه سرفصل‌های جدید از ضرورت بالایی برخوردار است و قریب به ۳۵ درصد آنان ضرورت ارائه این سرفصل‌ها را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در خصوص سرفصل‌های پیشنهادی استادان و دانشجویان:

■ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه استادان حاکی از آن است که سرفصل‌های آموزشی هفده‌گانه زیر برای جایگزینی با برخی از سرفصل‌های مصوب و در حال ارائه، مورد نظر استادان درس اصول مدیریت آموزشی بوده و این مدرسان معتقدند، با توجه به خصوصیات عصر کنونی و شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و نیز نیازهای شغلی و حرفه‌ای دانشجویان رشته مدیریت آموزشی،

باید بخشی از سرفصل‌های پیشنهادی زیر در تدوین محتوای این درس مورد استفاده قرار گیرند. سرفصل‌های مورد بحث عبارت‌اند از:

«فنون برنامه‌ریزی»، «فنون تصمیم‌گیری»، «روش‌های کمی‌سازی تصمیمات مدیریتی»، «روش‌های تفکر»، «مدیریت تحول در آموزش و پرورش»، «مدیریت بحران در آموزش و پرورش»، «مهندسی مجدد در آموزش و پرورش»، «روش‌های نوین یادگیری در سازمان‌ها»، «مدیریت دانش در سازمان‌های آموزشی»، «سازمان‌های آموزشی به عنوان سازمان‌های یادگیرنده»، «نگرش‌های نوین در آموزش و پرورش»، «نظریه‌های جدید مدیریت و رهبری آموزشی»، «نظریه مدیریت مشارکتی در مدیریت آموزشی»، «مدیریت ناب در آموزش و پرورش»، «مدیریت کیفیت فراگیر»، «مدیریت نوآور و سازمان کارآفرین» و «ویژگی سازمان‌های آموزشی قرن بیست و یکم».

■ نتایج بررسی‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که، دانشجویان مورد مطالعه در مجموع ۱۴ سرفصل آموزشی را پیشنهاد کرده‌اند و مایل‌اند که سرفصل‌های ذیل، جایگزین بخشی از سرفصل‌های فعلی درس «اصول مدیریت آموزشی» شوند:

«اصول معماری فضاهای آموزشی»، «مدیریت آموزشی و جهانی شدن»، «مدیریت آموزشی و رهبری معنوی در سازمان‌های آموزشی»، «آسیب‌شناسی مدیریت آموزشی»، «مطالعات موردی مدیریت آموزشی»، «مطالعات تطبیقی در مدیریت آموزشی»، «اندیشه و رفتار مدیران موفق در سازمان‌های آموزشی»، «مدیریت آموزشی در سازمان‌های غیرآموزشی»، «کارآفرینی در سازمان‌های آموزشی»، «وظایف مدیریت آموزشی در قرن بیست و یکم»، «مدیریت آموزشی در سازمان‌های یادگیرنده - یاددهنده»، «مدیریت آموزشی در سازمان‌های مجازی»، «آشنایی با مبانی مدیریت تحول، مدیریت دانش، مدیریت زمان، مدیریت ریسک، مدیریت بحران، مدیریت پروژه، مدیریت کیفیت، مدیریت توسعه و مدیریت ICT» و «مکاتب و نظریه‌های نوین مدیریت آموزشی».

در اینجا، با کمی دقت و تطبیق سرفصل‌های پیشنهادی استادان و دانشجویان، نزدیکی و همپوشانی دیدگاه‌های دو جامعه مورد مطالعه به وضوح قابل تشخیص است و این بدان معناست که، دانشجویان تحصیلات تکمیلی از توانمندی‌های قابل توجهی برای تعیین مقوله‌های مناسب آموزشی خود برخوردارند.

مقایسه دیدگاه‌ها

مقایسه نگرش «دانشجویان شاغل» و «دانشجویان غیرشاغل»، پیرامون سرفصل‌های مصوب درس «اصول مدیریت آموزشی»، حکایت از آن دارد که، نگرش افراد شاغل در زمینه میزان اهمیت و ضرورت ارائه سرفصل‌های «تعریف مدیریت آموزشی»، «رهبری آموزشی»، «سبک‌های رهبری»، «تئوری اقتضاء و رهبری»، «سیستم مدیریت آموزشی» و «شبکه مدیریت آموزشی»، تفاوت معنی‌داری با نگرش دانشجویان

غیرشاغل در این خصوص دارند به نحوی که افراد شاغل، میزان ضرورت و اهمیت ارائه این سرفصل‌ها را به طور نسبی بیشتر ارزیابی کرده‌اند (جدول ۱).

جدول (۱) مقایسه نگرش دانشجویان شاغل و غیرشاغل پیرامون سرفصل‌های مصوب درس اصول مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد

ردیف	متغیر	افراد شاغل (میانگین رتبه‌ای)	افراد غیرشاغل (میانگین رتبه‌ای)	آزمون آماری	مقدار آزمون (W)	سطح معنی داری
۱	تعریف مدیریت آموزشی	۹۹/۳۶	۷۵/۴۶	من‌وایت‌نی	۲۷۹۷	۰/۰۰۲**
۲	رهبری آموزش	۹۷/۳۹	۷۸/۸۳	من‌وایت‌نی	۳۰۶۶/۵	۰/۰۱۳*
۳	سبک‌های رهبری	۹۸/۰۸	۷۹/۲۳	من‌وایت‌نی	۳۰۹۶/۵	۰/۰۱۳*
۴	تئوری اقتضاء و رهبری	۹۸/۲۳	۸۰/۲۷	من‌وایت‌نی	۳۱۷۹	۰/۰۱۸*
۵	سیستم مدیریت آموزشی	۹۶/۷۷	۸۱/۹۹	من‌وایت‌نی	۳۳۲۰	۰/۰۴۹*
۶	شبکه مدیریت آموزشی	۹۹/۱۱	۷۷/۹۹	من‌وایت‌نی	۲۹۹۶/۵	۰/۰۰۵**

علامت * و ** به ترتیب معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۹ درصد را نشان می‌دهد.

مقایسه نگرش «دانشجویان شاغل» و «دانشجویان غیرشاغل»، پیرامون سرفصل‌های جدید (قابل جایگزین) برای درس «اصول مدیریت آموزشی»، نشان می‌دهد که، بین نظرات و نگرش‌های دو گروه افراد شاغل و غیرشاغل پیرامون میزان اهمیت و ضرورت ارائه سرفصل‌های پیشنهادی که از متون و منابع دانشگاهی خارج از کشور اقتباس شده است، تفاوت معنی داری وجود نداشته و همه پاسخگویان نسبتاً ارزیابی یکسانی از میزان ضرورت ارائه این سرفصل‌ها ارائه کرده‌اند. شاید از دلایل یکسان بودن نظر دو گروه پرسش‌شوندگان، آن است که هنوز هیچ یک از این دو گروه، این سرفصل‌ها را تجربه نکرده‌اند.

لازم به ذکر است که همان‌طور که نتایج تحلیل توصیفی در بخش‌های قبلی نشان می‌دهد، اکثریت دانشجویان، ضرورت ارائه این سرفصل‌ها را با میزان اهمیت بالایی ارزیابی کرده‌اند.

نتایج حاصل از تحلیل استنباطی، نشان‌دهنده این واقعیت است که، بین نظرات و دیدگاه‌های دانشجویانی که رشته تحصیلی آنان در دوره کارشناسی «مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی» است، در مقایسه با دانشجویانی که رشته آنان در دوره کارشناسی، غیرمرتبط بوده است، در مورد «ضرورت ارائه درس اصول مدیریت

مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد» و «میزان تأثیر محتوای برنامه درسی در تقویت مهارت‌های مدیریتی دانشجویان»، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۲) و افراد با رشته غیرمرتبط، ضرورت ارائه و میزان تأثیر محتوای این درس را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. علاقه‌مندی دانشجویان سایر رشته‌ها به دانش مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد نیز مؤید همین موضوع است. همچنین، شاید بتوان یکی از دلایل ارزیابی ضرورت بالاتر ارائه این درس در مقطع کارشناسی ارشد را ازسوی دانشجویان رشته‌های غیرمرتبط، عدم گذراندن این واحد درسی در مقطع کارشناسی عنوان کرد.

جدول (۲) مقایسه نگرش دانشجویانی که رشته دوره کارشناسی آنان مرتبط بوده است با نگرش دانشجویانی که از سایر رشته‌ها در دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی پذیرفته شده‌اند، پیرامون ساخت درس اصول مدیریت آموزشی

ردیف	متغیر	رشته مدیریت آموزشی (میانگین رتبه‌ای)	سایر رشته‌ها (میانگین رتبه‌ای)	آزمون آماری	مقدار آزمون (W)	سطح معنی‌داری (P)
	ضرورت ارائه درس «اصول مدیریت آموزشی» در مقطع کارشناسی ارشد	۷۲/۹۶	۸۹/۱۵	من‌وایت‌نی	۲۶۲۵	* ۰/۰۱
	میزان تأثیر محتوای برنامه درسی «اصول مدیریت آموزشی» در تثویت مهارت‌های مدیریتی دانشجو	۷۵/۰۱	۸۹/۰۴	من‌وایت‌نی	۲۷۶۹/۵	* ۰/۰۴۳

علامت * معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان به راهکارها و پیشنهادها زیر اشاره کرد:

۱. به‌رغم ارائه درس «اصول مدیریت آموزشی» در مقطع کارشناسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، ارائه آن در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، کاملاً ضروری بوده و در بهبود عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان و نیز در

- توسعه مهارت‌های دانشی، بینشی و نگرشی آنان پیرامون حرفه مدیریت آموزشی، کاملاً اثرگذار است؛
۲. با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و ضرورت بازنگری در شیوه‌های انتقال دانش و اطلاعات به فراگیران، ضروری است در انتقال مفاهیم و سرفصل‌های این درس از شیوه‌هایی همچون آموزش الکترونیک (E-Learning) و آموزش مجازی (Virtual Learning) استفاده شود؛
۳. دروس دوره کارشناسی ارشد به صورت اختیاری ارائه شود، تا از این طریق دانشجویان تحصیلات تکمیلی بتوانند در راستای تأمین نیازهای شغلی و حرفه‌ای خود و برحسب علاقه و زمینه‌های قبلی، از دانش تخصصی بهره لازم را ببرند؛
۴. پیشنهاد می‌شود بازنگری در محتوا، ساخت و مفاهیم عمده سایر دروس رشته مدیریت آموزشی در قالب طرح‌های تحقیقاتی و یا پایان‌نامه‌های دانشجویی به صورت دقیق و علمی مورد توجه قرار گیرد؛
۵. با توجه به فراگیر شدن مقوله آموزش نیروی انسانی در کلیه سطوح سازمان‌ها، اعم از آموزشی و غیرآموزشی، محتوای ویژه‌ای برای مدیریت آموزشی در سازمان‌های غیرآموزشی، توسط متولیان امر، تهیه، تدوین و ارائه شود؛
۶. برخورداری از حداقل سه سال سابقه فعالیت آموزشی در یکی از مؤسسات، ارگان‌ها و یا مراکز آموزشی، به عنوان پیش شرط پذیرش داوطلبین دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی مورد تأکید قرار گیرد؛
۷. استادان محترم «درس اصول مدیریت آموزشی» در ارائه تکالیف درسی به دانشجویان از روش‌هایی همچون «طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی» و «ارائه کنفرانس کلاسی» برای کلیه دانشجویان بیشتر استفاده کنند؛
۸. با عنایت به ضرورت به کارگیری الگوهای تدریس مناسب برای انتقال بهتر مفاهیم درسی، تلاش شود از الگوهای استفاده شود که دارای جنبه‌های کاربردی و عملیاتی بیشتری هستند، تا از این طریق در آشناسازی دانشجویان با شرایط واقعی محیط‌های کار، توفیق حاصل شود.

الگوی پیشنهادی برای درس "اصول مدیریت آموزشی"

عنوان درس: اصول مدیریت آموزشی

تعداد واحد: ۲ واحد نظری و ۱ واحد عملی*

پیش‌نیاز: اصول مدیریت

هدف درس:

توسعه دانش، بینش و مهارت‌های مدیریتی دانشجویان برای حضور مؤثر در سازمان‌های آموزشی و حوزه‌های آموزش سازمان‌های غیرآموزشی به عنوان مدیران آموزشی آتی.

سرفصل‌های درس (مفاهیم عمده):

- تغییرات آموزش و پرورش - رهبری آموزشی - سبک‌های رهبری - تئوری اقتضاء و رهبری - سیستم مدیریت آموزشی - شبکه‌ی مدیریت آموزشی - تفکر انتقادی در مدیریت آموزشی - نقش مدیران آموزشی در فرهنگ سازمانی - مدیریت آموزشی و سیاست‌های آموزش و پرورش - مدیریت آموزشی قانون‌مدار و اخلاق‌مدار - مدیریت تحول در سازمان‌های آموزشی - مدیریت بحران در سازمان‌های آموزشی - مهندسی مجدد در سازمان‌های آموزشی - روش‌های نوین یادگیری در سازمان‌های آموزشی - مدیریت دانش در سازمان‌های آموزشی - سازمان‌های آموزشی به عنوان سازمان‌های یادگیرنده - نگرش‌های نوین در مدیریت آموزشی - نظریه‌های جدید مدیریت و رهبری آموزشی.

الگوهای تدریس:

۱. آموزش مستقیم. ۲. عقل رشديابنده. ۳. دریافت مفهوم. ۴. کاوشگری علمی و ورزیدگی آموزش

کاوشگری. ۵. بدیعه‌پردازی. ۶. یادسپاری. ۷. تصویر مفهومی.

وسایل کمک آموزشی:

۱- کامپیوتر (پرتابل). ۲. ویدئو پروژکتور. ۳. وایت‌برد.

فعالیت‌های مکمل تدریس:

۱- ارائه کنفرانس کلاسی. ۲- طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی.

منابع درسی:

(انتظار می‌رود استادان مربوطه منابع کامل‌تری متناسب با نیازهای روز مدیریت آموزشی تدوین

کنند.)

* منظور از واحد عملی حضور دانشجویان در محیط‌های آموزشی همانند مدارس و دیگر مراکز آموزشی است.

منابع

- آقایبی جنت مکان، حسین (۱۳۸۵). *ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه درسی رشته حقوق در مقطع کارشناسی*. چکیده مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران.
- دادگر، یداله (۱۳۸۵). *ایستایی و دیگر چالش‌های علوم انسانی در ایران*، مطالعه موردی علوم اقتصادی. چکیده مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، مصوبه دویست و چهل و سه (۲۴۳)، مورخ ۱۳۷۱/۶/۸.
- شورای عالی برنامه‌ریزی. مصوبه ۱۳۷۳/۱۲/۱۹.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۳). *بررسی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی در آموزش عالی ایران و راهکارهای بهبود آن (مطالعه موردی رشته مدیریت آموزشی)*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عزیزی، نعمت ا. (۱۳۸۵). *وضعیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها، تأملی بر نظرات دانشجویان در ارتباط چالش‌ها و نارسایی‌های علوم انسانی و راهبردهای توسعه کیفی آن*. چکیده مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران.
- کارشناسان بخش آموزش عالی یونسکو (۱۳۸۴). *فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در آموزش مربیان*. ترجمه: محمدرضا شاه‌پسند و ابوالقاسم شریف‌زاده، کرج: نشر آموزش کشاورزی.
- کافمن، راجرز و جری هرمن (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی*. ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگانه تهران: انتشارات مدرسه.
- نادری، عزت ا. و مریم سیف نراقی (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی*. تهران: انتشارات بدر.
- هاشمی مقدم، سید شمس الدین (۱۳۸۵). *رشته‌های علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی در نظام آموزش عالی*. چکیده مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران.
- هزاوه‌ئی، سید مرتضی (۱۳۸۵). *نقش علوم انسانی در چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای عملیاتی ساختن آن*. چکیده مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

Ebrsole, John F. (1999). The change and the promise of international education. *Continuing higher education review*, Vo 01.63.

Forman, Judith & Johston, Tom (2000). *Key aspects of teaching and leaving in business and management studies*. In Fry Heather (eds), *A Handbook for teaching and learning in higher education*, . . . , Kogan page press.

Genis, Ethney Marlene (2003). *The implications of a national qualifications framework for curriculum development in technician*

education. University of Pretoria (South Africa), 1997. [www://www.lib.uni.com/dissertation](http://www.lib.uni.com/dissertation), 07/06/2003.

Lunenberg, Fred. C. (1996). *Ornstein Allan, Educational administration, Concepts and practices*. Wadsworth publishing press.